

فلسفه و تحلیل بنیانهای نظری در آمایش سرزمین

* نگاهی به گذشته

تفکر اقتصادی به جای توجه به منابع طبیعی و طبیعت

– فیزیوکراتها

– سرمایه، نیروی کار و به اضافه زمین به عنوان منابع اصلی رفاه در اقتصاد

در دوره بعد از جنگ جهانی دوم: رفاه نتیجه عوامل درونداد مثل نیروی کار، سرمایه، فناوری و زمین

– لحاظ کردن زمین به عنوان بخشی از سرمایه

بروز محدودیتها در روند رشد اقتصادی و توجه بیش از پیش مطالعات اقتصادی آمایش سرزمین و جنبه های فضایی – محیطی اقتصاد در دهه های اخیر

• گزارشهای بانک جهانی

• رویکرد محیطی به عنوان یک فرایند انقلابی که در آن نقش محیط در رابطه با وضعیت اجتماعی و اقتصادی حاکم بر آن تعریف می شود.

فرایند انقلابی رویکرد محیطی می تواند در ۵ سطح تعریف شود:

- ۱- کاهش کارایی محیطی به عنوان یک پدیده کم اهمیت و فرعی (Side Effect)
- ۲- کاهش کارایی محیطی به عنوان یک پدیده هزینه بر (Cost Factor)
- ۳- محیط به عنوان یک مسئله حاشیه ای (Boundry Condition)
- ۴- محیط به عنوان عامل تعیین کننده رویکردها (Policy-Determining Factor)
- ۵- محیط به عنوان هدف (Objective)

— درجه تکامل این فرایند بستگی به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و نوع چالشهای محیطی دارد.

-جایگاه آمایش سرزمین در کدام یک از مراحل فوق می گنجد.

⑤ مسئله:

کاهش ویژگی های مثبت محیط زیست و افزایش آلودگی آن:

تغییرات اقلیمی، جنگل زدایی، بیابان زایی، و در کل کاهش تنوع زیستی

جمعیتی بیش از پیش فزاینده بر سرزمینی بیش از پیش کاهش یابنده

کاهش امنیت

ریشه بحران: رشد جمعیت!؟ ریشه های فرهنگی!؟ فشارهای اقتصادی!؟ و ...

راهکارهای مبارزه:

برگزاری کنفرانس ها، سمینارها و گرد هم آیی ها

* برنامه ؟

-برنامه عبارت است از هر روشی که برای نیل به یک هدف مورد استفاده قرار می گیرد و در برگیرنده کلیه اعمالی است که برای دستیابی به هدف مورد نظر بکار گرفته می شود.

-برنامه عبارت است از هر فرایند دارای سلسله مراتب در یک ارگانیسم که بتواند نظم و توافد اجرایی را کنترل کند.

-برنامه عبارت است از گاهنامه تصمیمات منظم بر اساس سلسله مراتب عملیاتی.

* برنامه ریزی

برنامه ریزی یک سیستم کلی ذهنی است. با ایجاد یک سیستم ذهنی مستقل اما منطبق بر سیستم دنیای واقعی، ابتدا پدیده تحول را شناخته، سپس آنرا پیش بینی کرده و بالاخره آنرا ارزیابی می کنیم. هدف بهینه کردن سیستم دنیای واقعی از طریق بهینه کردن سیستم ذهنی می باشد. تلاشی آگاهانه برای سازماندهی اقداماتی که نتایج مورد انتظاری در آینده ببار آورد.

Different Types of Land

Residential land is used to build homes.

Commercial land is used for businesses, warehouses, shops, and any other infrastructure related to commerce.

Transportation land is used for structures that get people from Point A to Point B. This includes roads, airports, train stations, bus stations, etc.

Recreational land is meant to be used for the enjoyment of the people who use it. This can be anything from parks and open spaces to sports stadiums or amusement parks.

Agricultural land is used for growing and harvesting crops/livestock.

Benefits of Planning

Creating a framework for the project development,

Helps anticipate the future of that area, which allows developers to implement an infrastructure that mitigates risk,

Assists in placing measures that combat climate change,

Effective planning can positively impact the urban economy,

Promotes a better use and conservation of natural resources, along with protection of the environment,

Prevents development in areas with a high risk of natural hazards,

Minimizes the public health and safety risks for the local community,

Prevents land-use conflicts

مؤلفه ها

سیستم کلی ذهنی - پویش هدایت عقلایی منطبق بر سیستم دنیای واقعی
تصمیم گیری در امور توسعه
ابعاد زمانی
فعالیت های منظم، اهداف و هماهنگی
شناخت، پیش بینی و ارزیابی

برنامه ریزی

هدف: بهینه کردن سیستم دنیای واقعی از طریق بهینه نمودن سیستم ذهنی، بهره برداری منطقی و هماهنگ از امکانات و منابع

توصیف سیستم و تعیین مسائل آن

تدوین و تحلیل راه حل ها

ارزیابی راه حل ها و انتخاب

اجراء و کنترل

فرآیند برنامه ریزی:

* فضای جغرافیایی؟

اکومن: جایی که شرایط طبیعی به تشکیلات زندگی اجتماعی انسان امکان می دهد.

ژان تریکار: قلمرو فضای جغرافیایی پوسته زمین با بیوسفر (فضای قابل سکونت انسانها)

ماکسیمیلین سور: اکومن زمین مورد سکونت انسانها با همه ضمائ آن است و فضایی است برای گسترش نوع انسانی

ژان گوتمن: فضای قابل دسترس انسانها

فضای جغرافیایی، فضایی تغییر پذیر، متنوع که ظاهر قابل درک و رؤیت آن همان چشم انداز است. این فضا بر اثر تابش های ناشی از عمل انسان برشهایی می پذیرد. فضای جغرافیایی پایگاه سیستمهای روابط است، بعضی از سیستمها منشا طبیعی و بعضی منشا انسانی دارد.

۱- ماهیت فضایی

در این مفهوم چشم انداز دارای بعد فیزیکی بوده و قابل لمس است. چشم اندازها در این مفهوم دارای سه بخش بیوتیک(زنده)، آبیوتیک(غیر زنده) و تکنوسفر(مصنوعی) هستند(شکل ۱). جایگاه انسان در این مجموعه می تواند نگرشهای متفاوتی را در ارتباط با مسائل ژئوسایت بدنبال داشته باشد. اگر انسان خود را در داخل چشم انداز آمایشی و بخشی از آن و مرتبط با سایر بخشها حس کند در تصمیمات خود به طوری عمل خواهد کرد که آسیبی به سایر بخشهای چشم انداز وارد نیاید ولی در غیر این صورت، رفتار انسان با چشم انداز بی رحمانه خواهد بود.

۲- ماهیت ذهنی

زمانی که انسانها با واقعیت فیزیکی چشم اندازها مواجه می شوند، واکنش خودشان را از طریق عکس العمل، احساسات و خیالات نشان می دهند. بر اساس این مفهوم، چشم انداز آن چیزی نیست که ما در جلوی چشمانمان می بینیم بلکه آن چیزی است که در ذهنمان می گذرد. دید ما به یک چشم انداز محصول فرهنگ و وجوه فرهنگی چشم انداز است(Naveh, 1998). بنابراین ممکن است افراد مختلف برداشت های متفاوتی از یک چشم انداز واحد داشته باشند.

۳- بعد زمانی

هر دو بعد فضایی و ذهنی هر چشم انداز تحت تأثیر بعد سوم یعنی بعد زمانی هستند. چشم اندازها محیطهایی ایستا نیستند بلکه ماهیتی پویا دارند. چشم انداز تغییر می کند و توسعه آن ذاتا مستلزم گذشت زمان است. محققین چشم انداز در مطالعات خود توجه خاصی به فضا دارند در حالی که از کنار زمان به راحتی می گذرند. دینامیک زمانی چشم اندازها دربرگیرنده کلیه ابعاد چشم انداز بوده و تغییرات در کلیه مقیاسها را در بر می گیرد. این تغییرات بعضا به دلیل کند بودنشان، همیشه برای انسان قابل درک نیستند و به همین خاطر انسانها از وجود این تغییرات آگاهی ندارند.

۴- رابطه فرهنگ و محیط

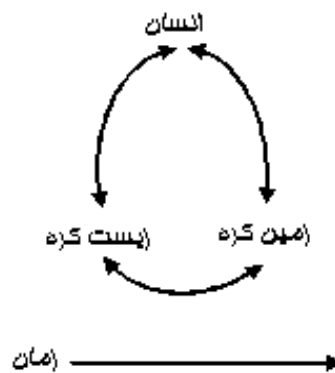
انسان از زمان خلقت همواره چشم اندازها را تحت تأثیر و تغییر داده است و چشم اندازهای فعلی محصول این فرایندهای تاریخی هستند. این واقعیت را باید پذیرفت که نه تنها انسان بر چشم انداز تأثیر می گذارد بلکه چشم انداز نیز بر انسان تأثیر دارد. بنابر این، چشم انداز را می توان نقطه تلاقی طبیعت و فرهنگ دانست که در آن بخشهای مادی و ذهنی چشم انداز با هم در می آمیزند و تحلیل چشم انداز از دیدگاه صرف مسائل طبیعی بدون لحاظ مسائل فرهنگی و یا برعکس غیر ممکن است و همین مسئله تحلیل چشم انداز به عنوان یک کل را دشوار می سازد.

برآیند بررسی ابعاد پنجگانه مفهوم چشم انداز، طرح چشم انداز به عنوان یک سیستم است. نگرش سیستمی روشی علمی است که امکان درک و فهم حقایق پیچیده را فراهم می آورد. چشم انداز سیستمی پیچیده را شامل می شود که متشکل از زیر سیستمهای سنگ کره، زیست کره و انسان و برآیند آنها در طول زمان است. با قبول چشم انداز به عنوان یک سیستم، توجه به روابط میان این زیرسیستمها و نگرشی کلی نگر به آن ضرورت می یابد. در این مفهوم، چشم انداز دارای ارزشهایی مشخص و درجه بالایی از پیچیدگی خواهد بود بدین معنی که تغییر در بخشی از چشم انداز، تغییر در سایر قسمتها را به دنبال خواهد داشت.

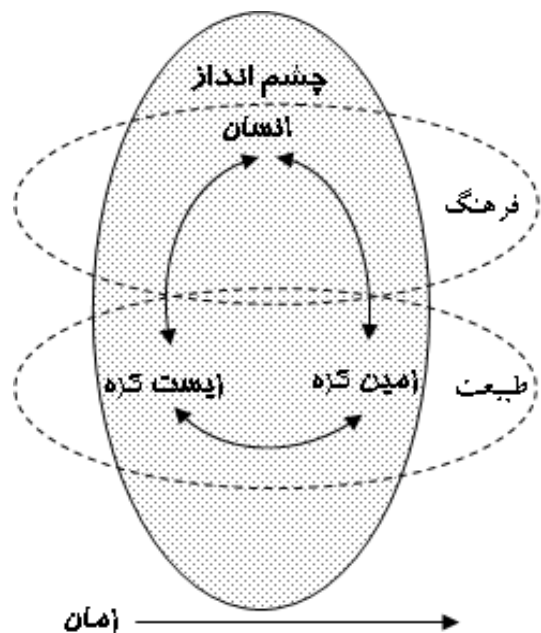
ابعاد پنجگانه ذکر شده در بالا هر کدام سهم خاصی در مسائل چشم اندازها به عنوان یک چشم انداز دارند. کلیه اطلاعات بدست آمده از شاخه های مختلف علمی در این مفهوم می گنجند و همین عامل باعث ایجاد زمینه مطالعات گسترده در پژوهشهای مرتبط با چشم انداز شده است.

با قبول چشم اندازها به عنوان چشم انداز، آنها به عنوان سیستمی پیچیده و پویا مطرح می شوند که از زیر سیستمهای زمین کره، زیست کره و انسان تشکیل شده است. بنابر این، در این چشم انداز با آمیزه ای از مسائل طبیعی و فرهنگی سرو کار خواهیم داشت. در این مفهوم، انسان با تمام فعالیتها و تفکرات خود بخشی از چشم انداز است و شاید بتوان چشم انداز را نیز بخشی از انسان تلقی نمود.

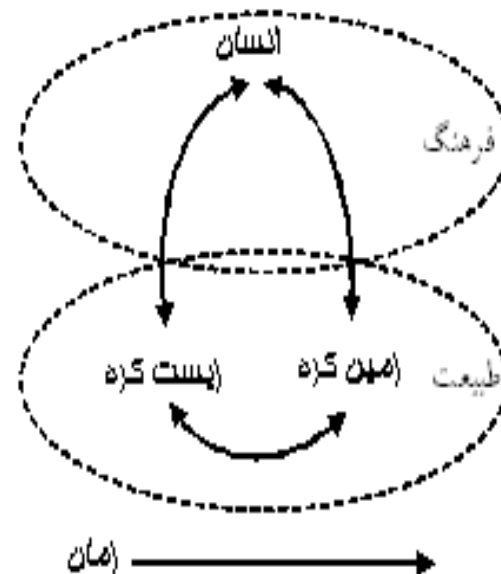
مدل واکنش متقابل چشم انداز-انسان



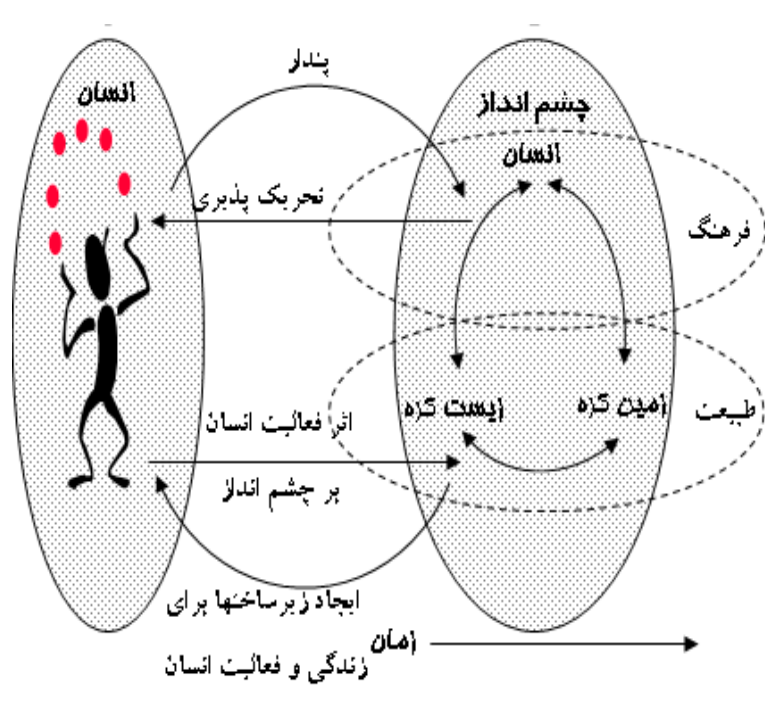
شکل ۲: روابط متقابل پویای زمین کره، زیست کره و انسان



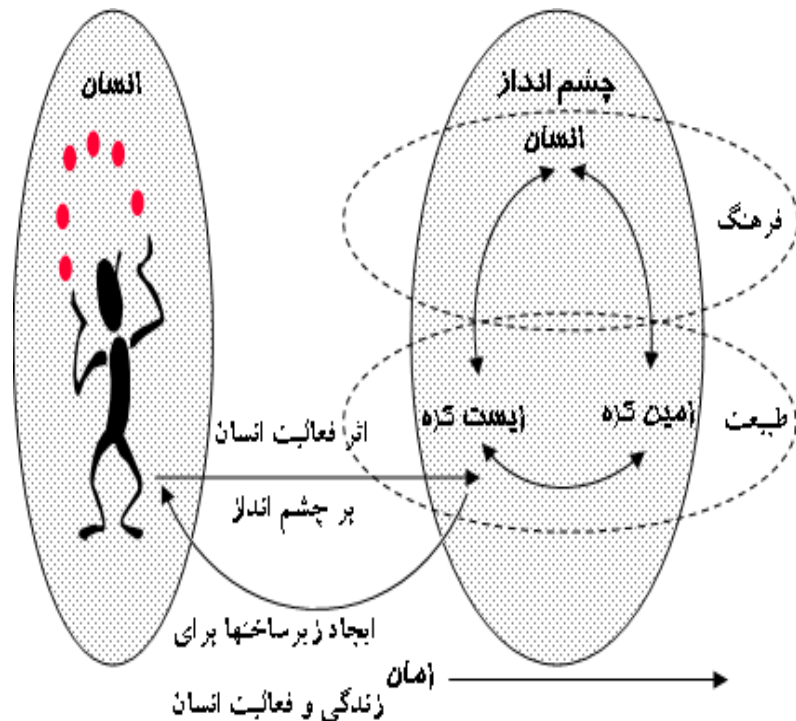
شکل ۴: ابعاد پنجگانه چشم انداز



شکل ۳: طبیعت و فرهنگ به عنوان دو وجود مکمل در چشم انداز



شکل ۶: مدل واکنش متقابل انسان-چشم انداز



شکل ۵: واکنشهای متقابل چشم انداز و اجزای آن با انسان

*** مهمترین بخش مسائل ژئوسایتها بخشی است که در آن انسان مستقل از چشم انداز آثار رفتار و عملکرد خود را در زندگی خود احساس می کند و بخشی از مشکلات ایجاد شده و یا احتمالی در محیط زندگی خود را نتیجه وضعیتی می داند که خود در ایجاد آن نقش مهمی ایفا نموده است (مرحله پنجم مدل (شکل ۳-۵)). در چنین موقعیتی است که انسان برای حل مسائل پیش آمده به دنبال چاره است و در این زمینه از قوه تخیل و تعقل خود کمک می گیرد و با ارائه راه حلهایی حلقه نهایی مدل فرارشته ای چشم انداز را تکمیل می کند.**

خلاقیت در برنامه ریزی

- چگونه می توانیم خلاقیت را به حداکثر برسانیم تا از عملکرد سازمانی بهره مند شویم؟
- عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت کدامند؟
- چگونه ممکن است کارکنان را در این صلاحیت های خلاقیت آموزش دهیم؟
- زمینه سازمانی چگونه بر نحوه تجربه خلاقان از زمینه خلاق تأثیر می گذارد؟
- از چه طریق خلاقیت سازمانها را به دو صورت ناخواسته یا ناخواسته تغییر می دهد؟
- قدرت چه نقشی در روند خلاقیت بازی می کند؟
- چگونه می توان موانع خلاقیت ناشی از مسائل قدرت و سلطه را برطرف کرد؟
- چه عواقبی در خلاقیت می توان در عواملی مانند نژاد ، جنسیت ، گرایش جنسی و غیره یافت؟

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۱- دیدگاه ساختارگرایی

structuralism is a general theory of culture and methodology that implies that elements of human culture must be understood by way of their relationship to a broader system.

این کار برای کشف ساختارهایی است که زمینه ساز همه کارهایی است که بشر انجام می دهد ، فکر می کند ، درک می کند و احساس می کند. درک بینش ساختارگرا پیچیده نیست. اگر به خانه خود نگاه کنیم متوجه اجزایی می شویم که در کنار یکدیگر قرار گرفته اند و این اجزا با در کنار هم قرار گرفتن، کلیتی معنا دار به نام خانه را ساخته اند. ترتیب قرار گرفتن اتاق ها و نحوه چیدمان میز ناهار خوری و مبل و صندلی ها و رنگ پرده ها می تواند در یک خانه صورت های متفاوتی ایجاد کند ولی همواره آن چیزی که ثابت است خود ساخت خانه است که معنا و مفهوم خود را حفظ می کند. اگر به یک وبلاگ نگاه کنید عناصری چون صفحه اصلی، نوشته ها، بخش نظرات و عکس نویسندگان را مشاهده می کنید که در کنار هم ساختاری به نام وبلاگ را شکل داده اند این عناصر، در وبلاگ های دیگر ممکن است حذف شوند، زیاد شوند، رنگ دیگری پیدا کنند و چیدمان متفاوتی بگیرند اما باز با همه این پویایی ها، شالوده و اساس ساختاری وبلاگ باقی می ماند. در این صورت بینشی که ما نسبت به خانه خود و یا محیط یک وبلاگ داریم بینشی ساختارگراست.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۲- دیدگاه کارکردگرایی

کارکردگرایان به طور کلی جامعه را نظامی دارای نظم و ترتیب می‌دانند. این دیدگاه مبتنی بر تمثیل ارگانیک بین جامعه و ارگانیسم زنده است. از این منظر جامعه یک سیستم متشکل از اعضا و اجزای بی‌شماری است که هر یک باید کارکردهایی خاص را برای بقای کلی سیستم و دیگر اجزا و اعضای آن انجام دهد و نظم اجتماعی پدیده‌ای است که کارکردهای اعضای مختلف این سیستم را به صورتی مرتب و در سلسله مراتبی خاص به هم پیوند می‌دهد.

کارکردگرایان بر این باورند که اجزای سازنده یک جامعه، نهادهایی چون نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام خانواده، مذهب و سازمان‌های آموزشی و پرورشی‌اند که بدون کارکردهای ضروری و منظم آن‌ها، جامعه‌ای وجود نخواهد داشت و نتیجهٔ فقدان یا اختلال این اجزاء، به خطر افتادن حیات و بقای کل سیستم اجتماعی است. همهٔ این نهادها (اجزای سیستم) دارای ارتباط متقابل‌اند و هر یک از آن‌ها جهت ایفای نقش مشخص خود باید اندازه، قابلیت و ساختمان مناسب داشته و به گونه‌ای عمل کند که با اجزای دیگر سازگار باشد. ناسازگاری اجزای سیستم اجتماعی، موجب تجزیهٔ آن و تضاد بین اجزا، باعث نابودی آن خواهد شد. ضامن اصلی سازگاری اجزای سیستم، سازواری (هم‌آهنگی و وفاق) در ارزش‌های مشترک است.

به طور کلی دیدگاه عمومی کارکردگرایی بر این استوار است که جامعه مانند یک ارگان زیستی بزرگ است که اعضا و جوارح مختلف آن هر کدام وظیفه و کار معینی انجام می‌دهد که در رابطه با کار و وظیفهٔ سایر اعضا و اجزا به انجام کل بدن کمک می‌کند و وظایف هر کدام به نوبهٔ خود ضروری و اجتناب‌ناپذیر است چرا که به کلیت نظام و حفظ آن کمک می‌کند.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۳- دیدگاه رادیکالیسم

رادیکالیسم به همراه لیبرالیسم شیوه هایی برای گذر از سنت گرایی به مدرنیسم اصطلاح رادیکالیسم نیز در مواردی أخذ می شود که افرادی در جامعه از وضع اجتماعی و سیاسی موجود ناراضی باشند و لذا برای کسب رضایتمندی خویش، خواهان بر هم زدن اوضاع موجود بوده و درصدد تأسیس موسسات و انجام اعمال و ارائه نظریه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی شایسته تری برآیند.

در نتیجه می توان گفت هرگونه عمل و نظر سیاسی و اجتماعی که در راستای تغییرات فوری و قاطع در نهادهای اجتماعی انجام بگیرد، نوعی رادیکالیسم است.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۴- دیدگاه سوسیالیسم

سوسیالیسم: فلسفه اقتصادی و سیاسی که برابری اجتماعی ، تصمیم گیری جمعی ، توزیع درآمد بر اساس سهم و مالکیت عمومی سرمایه های تولیدی و منابع طبیعی را پشتیبانی می کند. یک سیستم اقتصادی را پیش بینی می کند که هم مالکیت خصوصی را در ابزار تولید و هم در بازار از بین می برد. اولین نسخه از این مدل برنامه ریزی مرکزی است. این را می توان در یک مدل سلسله مراتبی از بالا به پایین درک کرد.

ایرادات

- ۱- برای یک مقام مرکزی بسیار دشوار است که اطلاعات مربوطه را از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان جمع آوری کند.
- ۲- حتی اگر بتواند اطلاعات کافی را جمع آوری کند ، محاسبه یک برنامه بهینه نیاز به محاسبات بسیار پیچیده ای دارد که ممکن است فراتر از توانایی برنامه ریزان باشد (حتی با دسترسی به پیچیده ترین کمک های فنی).
- ۳- ممکن است کسری های انگیزشی قابل توجهی وجود داشته باشد.

در پاسخ به چنین بی قدرت سازی گسترده ، مدل دوم برای برنامه ریزی سوسیالیستی توصیه کرده است که برنامه ریزی به روشی متفاوت و دموکراتیک تر انجام شود.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۵- دیدگاه پراگماتیسم

عمل گرایی یک سنت فلسفی است که کلمات و اندیشه را ابزار و ابزاری برای پیش بینی ، حل مسئله و عمل می داند و این ایده را که عملکرد اندیشه توصیف ، بازنمایی یا آینه سازی واقعیت است ، رد می کند. پراگماتیست ها ادعا می کنند که بیشتر مباحث فلسفی - مانند ماهیت دانش ، زبان ، مفاهیم ، معنا ، اعتقاد و علم - همه از نظر کاربردهای عملی و موفقیت آنها بهتر دیده می شوند.

پراگماتیسم مکتب اصالت عمل است. مکتبی که عملی بودن هر چیزی را ضروری می داند. در این مکتب غرض از حیات، همانا عمل است. بنیانگذار آن ویلیام جیمز آمریکایی است او می گوید حقیقت عبارت است از آنچه که بهتر و بیشتر امیال و آمال ما و از جمله سالیق ما را ارضاء کند. در مکتب پراگماتیسم، علم نیز قدر و اعتبار عملی دارد و هدف علم ماهیت و کنه اشیاء نیست بلکه هدف اصلی علم نیز باید فایده عملی آن باشد. جغرافیدانان مکتب پراگماتیسم در جستجوی یک دنیای واقعی تالش می کنند. جغرافی دانان ابتدا وضع موجود را بررسی می کنند و در جغرافیای کاربردی علاوه بر وضع موجود، به آینده نگری نیز می پردازند.

جغرافیای پراگماتیسمی در جستجوی اصلاح محیط زیست بشر از طریق به کارگیری فنون و شیوه های جغرافیایی است. بنابراین ارزش جغرافیا هنگامی مشخص می شود که دارای جنبه عملی باشد.

*** جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای**

۶- دیدگاه تعاونی

در این نوع برنامه ریزی، همکاری و ارتباط از نظر مشارکت گروههای مختلف جامعه نه تنها از نظر دموکراتیک برای دستیابی به یک اجماع معتبر هوشمند است بلکه در بسیاری از فرایندهای برنامه ریزی یک وظیفه قانونی است. به عنوان نمونه می توان به مشارکت نمایندگان معلولین در تهیه برنامه های حمل و نقل عمومی یا برنامه های راه آهن اشاره کرد. با این وجود ، این اجرای قانونی لزوماً نتایج خوب را تضمین نمی کند ، شکل و روند فرآیندهای همکاری به ویژه در اینجا بسیار مهم است.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۶- دیدگاه فمینیستی و اکوفمینیستی

برنامه ریزی فمینیسم یک نظریه و جنبش اجتماعی در مورد تأثیر محیط ساخته شده بر زنان است. هدف این تئوری این است که درک کند زن بودن در یک فضا به چه معناست و زنان در این محیط ها با چه تهدیدها و فرصت هایی روبرو می شوند.

"اکوفمینیسم جنبشی است که ارتباطی بین استثمار و تخریب دنیای طبیعی و تبعیت و ستم بر زنان می بیند. این جنبش در اواسط دهه ۱۹۷۰ در کنار فمینیسم موج دوم و جنبش سبز ظهور کرد. اکوفمینیسم در واقع به بررسی ارتباطات بین زنان و طبیعت در فرهنگ ، اقتصاد ، دین ، سیاست ، ادبیات و شمایل نگاری می پردازد و به تشابهات بین ستم بر طبیعت و ستم بر زنان می پردازد. این موازات شامل دیدن زن و طبیعت به عنوان یک دارایی ، دیدن مردان به عنوان متصدی فرهنگ و زنان به عنوان متصدی طبیعت و چگونگی تسلط مردان بر زنان و انسانها بر طبیعت هستند. اکوفمینیسم تأکید می کند که باید هم به زنان و هم به طبیعت احترام گذاشت. [۵]

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۷- دیدگاه عدالت اجتماعی

اساس نظریه های عدالت اجتماعی بر این است، که نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی جامعه، بر سازمان فضایی آن تأثیر دارد و نیز هر گونه تغییر در سازمان فضایی و روابط اقتصادی- اجتماعی و توزیع درآمد در جامعه اثر مستقیم دارد. در عصر حاضر اصلی ترین عامل بحرانهای جوامع بشری، ریشه در نابرابریهای اجتماعی و فقدان عدالت دارد.

نظریه های عدالت اجتماعی

۱- اسلام و عدالت اجتماعی در فرهنگ اسلامی عدالت اجتماعی و تحقق آن برای جامعه بشری، از چنان ارزش و اعتباری برخوردار است، که خداوند متعال در آیات متعددی از جمله آیه ۲۵ سوره حدید، دلیل فرستادن پیامبر (ص) را، مطرح کردن و تحقق عدالت در همه زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی، بیان فرموده است. برابری اجتماعی، مشخصه اصلی و جلوه حیاتی "امت" به شمار میرود. در اسلام تعبیر عدالت اجتماعی، مفهومی مطلق است نه نسبی، این تعبیر به عنوان یک نظام اجتماعی از این حقیقت نشأت میگیرد که خداوند تمام انسانها را به گونهای یکسان آفریده است که این حقیقت در کالم خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات آمده است).

۲- مارکسیسم و عدالت اجتماعی بنیان عدالت سوسیالیستی در قرن ۱۹ توسط هگل با معرفی دولت به عنوان منبع عدالت اجتماعی ارائه شد. بر مبنای چنین دیدگاهی، ماهیت عدالت اجتماعی توزیع عادلانه ثروت و داراییهای جامعه میباشد که چنین توزیعی براساس میزان نیازمندی افراد جامعه و تقسیم بر اساس میزان کار و تولید صورت میگیرد که بعدها با نظریه مارکس مبنی بر، از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به میزان نیازش اشاعه پیدا کرد. مارکس ریشه تمام مسایل و مشکلات جامعه بشری و بعدالتی را، زاده نظام طبقاتی- به ویژه نظام سرمایه داری- می داند.

۳- لیبرالیسم و عدالت اجتماعی لیبرالیسم مفهومی سیاسی است که علت وجودی دولت، حمایت از آزادی و دارایی شهروندان تحت حمایت دولت است که تا به امروز از مفاهیم بنیادی و اصولی لیبرالیسم است. در این دیدگاه عدالت اجتماعی را بر پایه دو اصل که آنها را زیربنای جامعه و نظام توزیع حوزه‌های گوناگون اجتماعی است مطرح می‌کند: اصل اول: اصل آزادی که حاکم بر آزادیهای پایهای و اساسی است، با این مفهوم که همه افراد جامعه باید حقی برابر نسبت به آزادیهای اساسی (آزادی بیان، حق رأی) داشته باشند. اصل دوم: اصل نابرابری که حاکم بر خواسته‌های اولیه اجتماعی- اقتصادی است. در تفهیم این اصل، بیشترین نفع را برای افراد محروم جامعه در پی داشته که نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی، باید به گونه‌ای باشد که اولاً همه افراد جامعه در زمینه فرصتهای شغلی باید دارای شرایط برابر قرارگیرند. به این معنی که باید همه منابع باشد. ثانیاً اولیه اجتماعی (درآمد، ثروت، آموزش، فرصتها شغلی) باید در میان افراد جامعه توزیع شود.

۴- جغرافیای شهری و عدالت اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ مفهوم و کارکرد عدالت اجتماعی، وارد ادبیات جغرافیایی شد و مسایلی نظیر رفاه اجتماعی، نابرابریهای شدید، فقر، بیکاری به سرعت مورد توجه جغرافیدانان قرار گرفت و جغرافیای رادیکال و لیبرال را بیش از سایر مکاتب دیگر تحت قرار داد. از میان جغرافیدانان و جامعه‌شناسانی که به طور مشخص به موضوع فضا و ارتباط آن با ساختار اجتماعی پرداخته‌اند، دیوید هاروی جغرافیدان و امانوئل کاستلز جامعه‌شناس هستند که از دو دیدگاه مختلف به موضوع پرداخته‌اند. دیوید هاروی مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به منافع همگانی، مالک توزیع درآمدها در مکانها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار برد. در واقع هاروی با طرح وابستگی میان نابرابریهای اجتماعی و ساختارهای فضای جغرافیایی، در تحلیل اصول عدالت اجتماعی سه معیار "نیاز"، "منفعت عمومی" و "استحقاق" را مطرح می‌کند و معتقد است، این سه معیار از جامعیت کاملی برخوردارند که در برگیرنده دیگر معیارها می‌باشند.

*** جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای**

۸- دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۹- دیدگاه سرمایه داری

نظام سرمایه‌داری یا کاپیتالیسم یک سیستم اقتصادی است که در آن افراد یا مشاغل خصوصی مالک کالاهای سرمایه‌ای هستند.

در این نظام، تولید کالاها و خدمات مبتنی بر قانون عرضه و تقاضا در بازار عمومی (که تحت عنوان اقتصاد بازار شناخته می‌شود) انجام می‌گیرد و نه از طریق یک برنامه‌ریزی مرکزی (که تحت عنوان اقتصاد برنامه‌ریزی شده یا اقتصاد دستوری شناخته می‌شود).

خالص‌ترین نوع نظام سرمایه‌داری، بازار آزاد یا سرمایه‌داری آزاد (Laissez-faire Capitalism) است که در آن افراد از تمام قیود آزاد هستند. آنها می‌توانند خود تعیین کنند که کجا می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند، چه می‌خواهند تولید کنند یا بفروشند، و کالاها و خدمات را با چه قیمتی می‌خواهند مبادله کنند. بازار آزاد بدون چک کردن و کنترل کردن کار می‌کند.

امروزه، اکثر کشورها یک نظام سرمایه‌داری مختلط را اعمال می‌کنند که شامل برخی مقررات دولتی برای کسب و کار و همچنین مالکیت صنایع است.

درک سرمایه‌داری

از نظر عملکرد، سرمایه‌داری فرآیندی است که با آن احتمالاً بتوان مشکلات تولید اقتصادی و توزیع منابع را برطرف کرد.

به جای برنامه‌ریزی برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از طریق روش‌های سیاسی متمرکز، مانند سوسیالیسم یا فئودالیسم، برنامه‌ریزی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری از طریق تصمیم‌گیری‌های غیرمتمرکز و داوطلبانه صورت می‌گیرد.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۱۰- دیدگاه توزیع فضایی جمعیت

Population distribution denotes the spatial pattern due to dispersal of population, formation of agglomeration, linear spread etc. Population density is the ratio of people to physical space. It shows the relationship between a population and the size of the area in which it lives.

Factors Affecting Population Distribution The main factors determining population distribution are : climate, landforms, topography, soil, energy and mineral resources, accessibility like distance from sea coast, natural harbours, navigable rivers or canals, cultural factors, political boundaries, controls on migration and trade, government policies, types of economic activities, technology including type of farming and transportation facilities, social organization and but not the least, demographic factors like changes in natural increase and migration.

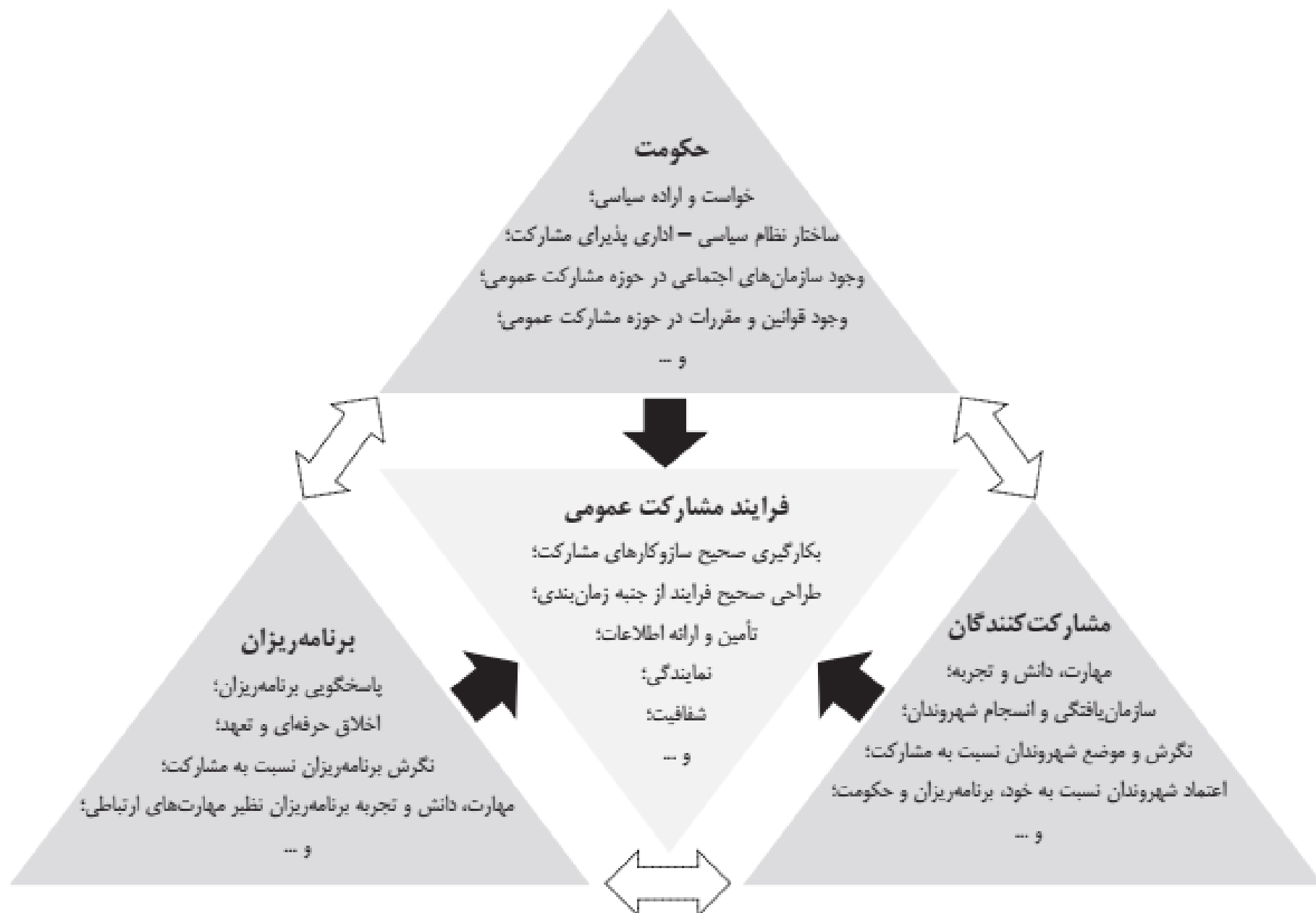
نظریه های برنامه ریزی منطقه ای از نظر ابزاری

۱- نظریه های اقتصاد محور (Cost-Benefit Theory)

تحلیل هزینه-فایده یا تحلیل فایده-هزینه روشی نظام مند برای تخمین زدن نقاط قوت و ضعف آلترناتیوهای است که معاملات، فعالیت ها یا ملزومات کارکردی یک کسب و کار را برآورده می کنند. هر بار افراد بررسی کنند که آیا فواید انجام یک کار خاص، از مشکلات و دردهای آن بیشتر است یا خیر، تحلیل هزینه - فایده را اساس تصمیم گیری خود قرار داده اند. در عرصه عمومی، به کارگیری تحلیل رسمی هزینه فایده برای ارزیابی کامل فواید و هزینه های مرتبط با تغییرات سیاستی پیش رو گاه مناقشه برانگیز است. به طور مشخص، تحلیل رسمی هزینه فایده تلاشی است جهت تعیین و بیان همه اثرات سیاست ها یا پروژه های دولتی در دست اقدام، بر حسب دلار. شایان ذکر است که تحلیل هزینه فایده نمی تواند تنها مبنای تصمیم گیری باشد، اما می توان از آن به عنوان ابزار کمکی ارزشمندی در سیاست گذاری ها استفاده کرد.

نظریه های برنامه ریزی منطقه ای از نظر ابزاری ۲- نظریه های مشارکت محور (Public Participation)

Public participation in governance involves the direct involvement – or indirect involvement through representatives – of concerned stakeholders in decision-making about policies, plans or programs in which they have an interest. Stakeholders are persons, groups or organizations that may influence or be affected by policy decisions (Freeman 2010) or place a claim on an organization's or other entity's attention, resources or outputs (Bryson 2004). Through public participation, stakeholders may interact with government agencies, political leaders, nonprofit organizations and business organizations that create or implement public policies and programs. While participation may be limited to discrete acts (e.g., a town hall meeting or citizen survey) or described by a set of practices (e.g., convening public hearings or other types of consultation processes), participation more generally is the process of engagement in governance.



شکل ۳. متغیرهای زمینه‌ای و تأثیرهای بالقوه در ارتباط با تحقق مشارکت عمومی

نظریه های برنامه ریزی منطقه ای از نظر ابزاری

۳- نظریه های فن گرایی (تکنیک محور)

برنامه ریزی فن گرا به نوعی برنامه ریزی مدرنیستی اطلاق می شود که اساساً از بالا به پایین، اقتداری و غیرمشارکتی است و در آن، برنامه ریز به عنوان فردی حرفه ای و همه چیزدان هر گونه اقدامی را در مقیاس وسیع توصیه و تجویز و به جای آن فضاها را همانند و یکسان را برنامه ریزی و طراحی می کند. حس لامکانی به احساس عدم تعلق به مکان که ناشی از فقدان تنوع است اشاره دارد.

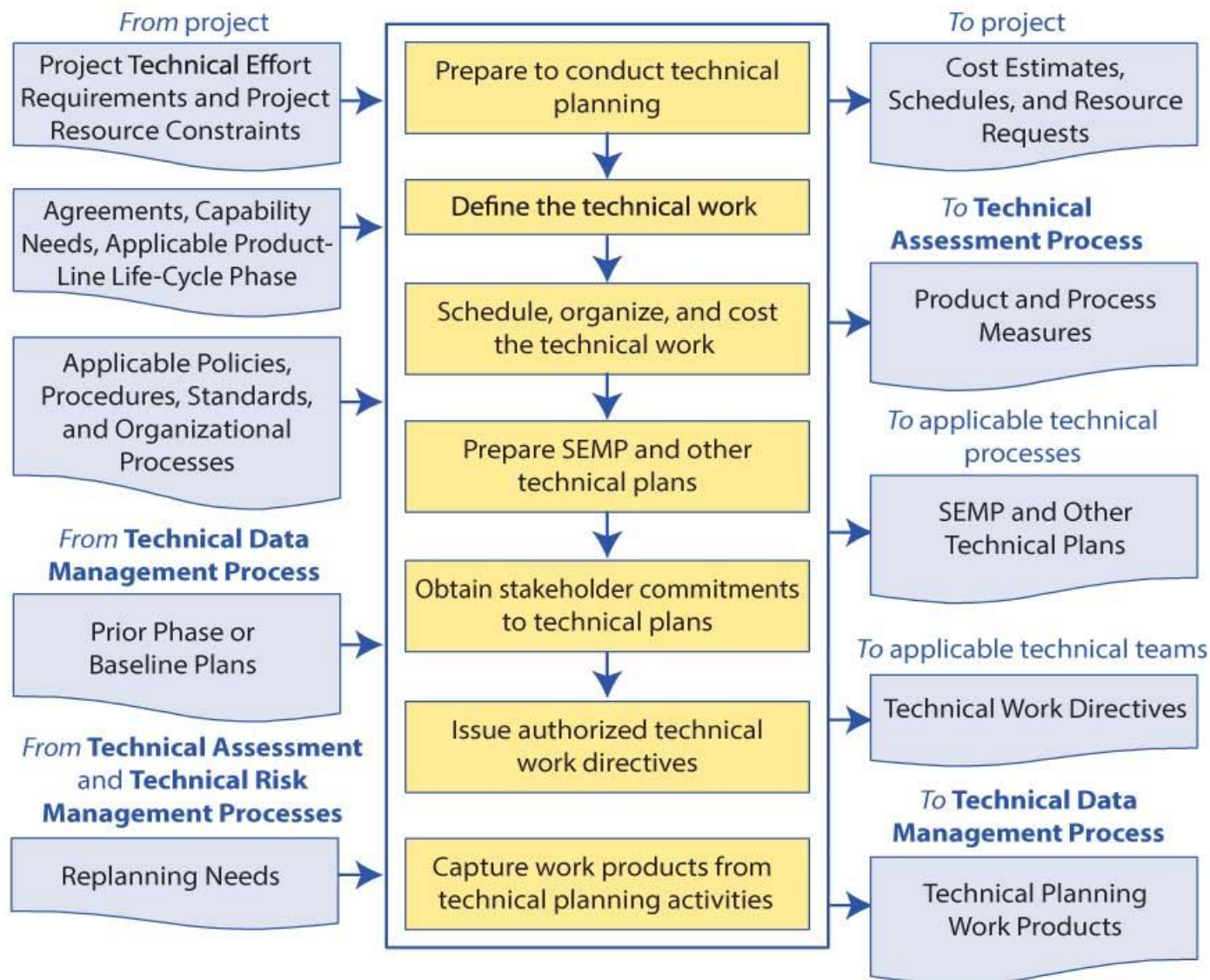
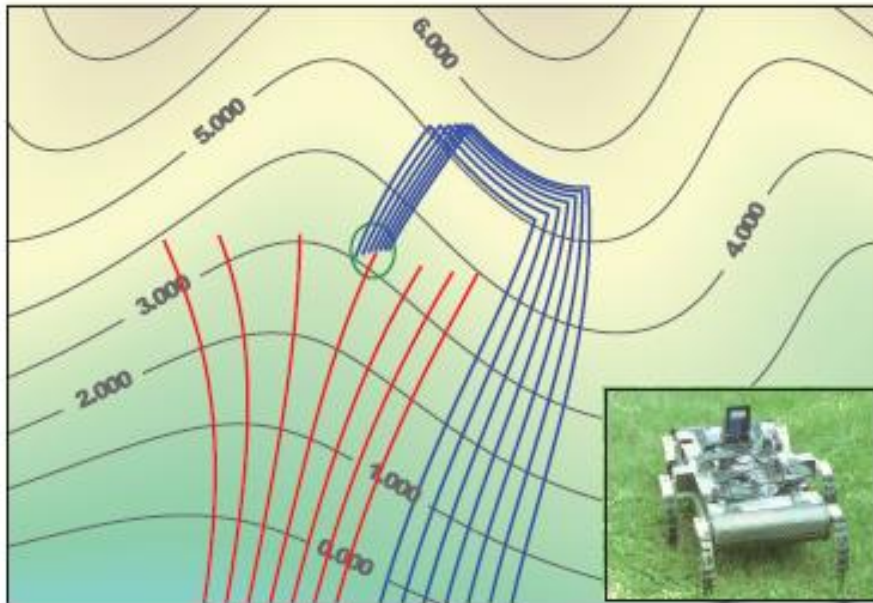


FIGURE 6.1-1 Technical Planning Process

نظریه های برنامه ریزی منطقه ای از نظر ابزاری

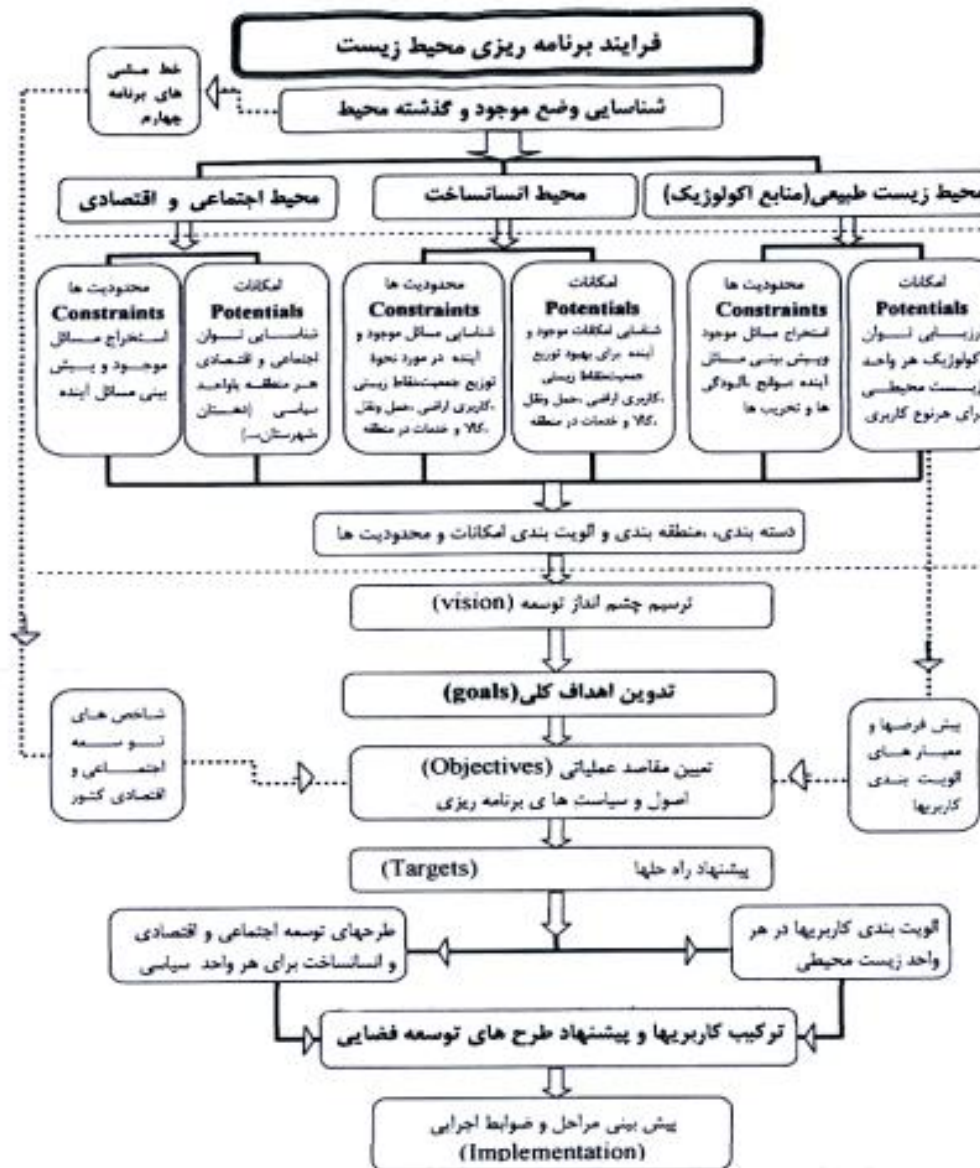
۴- نظریه های همگرایی و واگرایی

CONSIDER a mobile robot, such as in Fig. 1, tasked with traversing a hilly terrain to reach a goal configuration using only local gradient sensors (as in [1]). In red, we see a simple trajectory consisting of a closed loop uphill controller run from multiple initial conditions. While the controller has closed the loop on heading angle relative to the hill, it is not stable in the unobserved global frame. Small disturbances in the initial conditions lead to larger disturbances in the final conditions. In contrast, the blue trajectories (which are more complicated but still follow a gradient direction feedback control scheme) naturally converge over the length of the path reducing any state disturbance. The goal of this work is to quantify the difference between these trajectories and use a motion planner to generate solutions like the blue trajectories.



نظریه های برنامه ریزی منطقه ای از نظر ابزاری

۵- نظریه های زیست محیطی



نظریه های برنامه ریزی منطقه ای از نظر ابزاری

۶- نظریه های توسعه منطقه ای

در جهان امروز، نابرابری های منطقه ای پدیده ای فراگیر و رو به گسترش است. بدین خاطر توجه به برنامه ریزی فضایی به منظور کاهش نابرابری ها و عدم تعادل منطقه ای مورد توجه فراوان قرار گرفته است. این نوع برنامه ریزی منطقه ای، نوعی از آینده نگاری است که با تمرکز بر محدوده سرزمینی خاص، در یک قلمرو جغرافیایی زیرملی با هدف اتخاذ تصمیمات معین جهت تحقق آینده مطلوب عملیاتی می گردد. بر این اساس پیاده سازی این رویکرد در چارچوب مفهوم توسعه منطقه ای می تواند کمک قابل توجهی در بروز رسانی ادبیات توسعه در کشور داشته باشد. در برنامه ریزی فضایی، میزان توسعه مناطق توسعه نیافته برای دستیابی به توسعه متعادل و برابر ارزیابی می شود. بنابراین شناخت هر یک از امکانات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره به عنوان اولین گام در برنامه ریزی توسعه فضایی، می تواند به بهبود خدمات رسانی و افزایش تعادل و برابری بین مناطق کمک نماید.

جنبه های مختلف برنامه ریزی منطقه ای

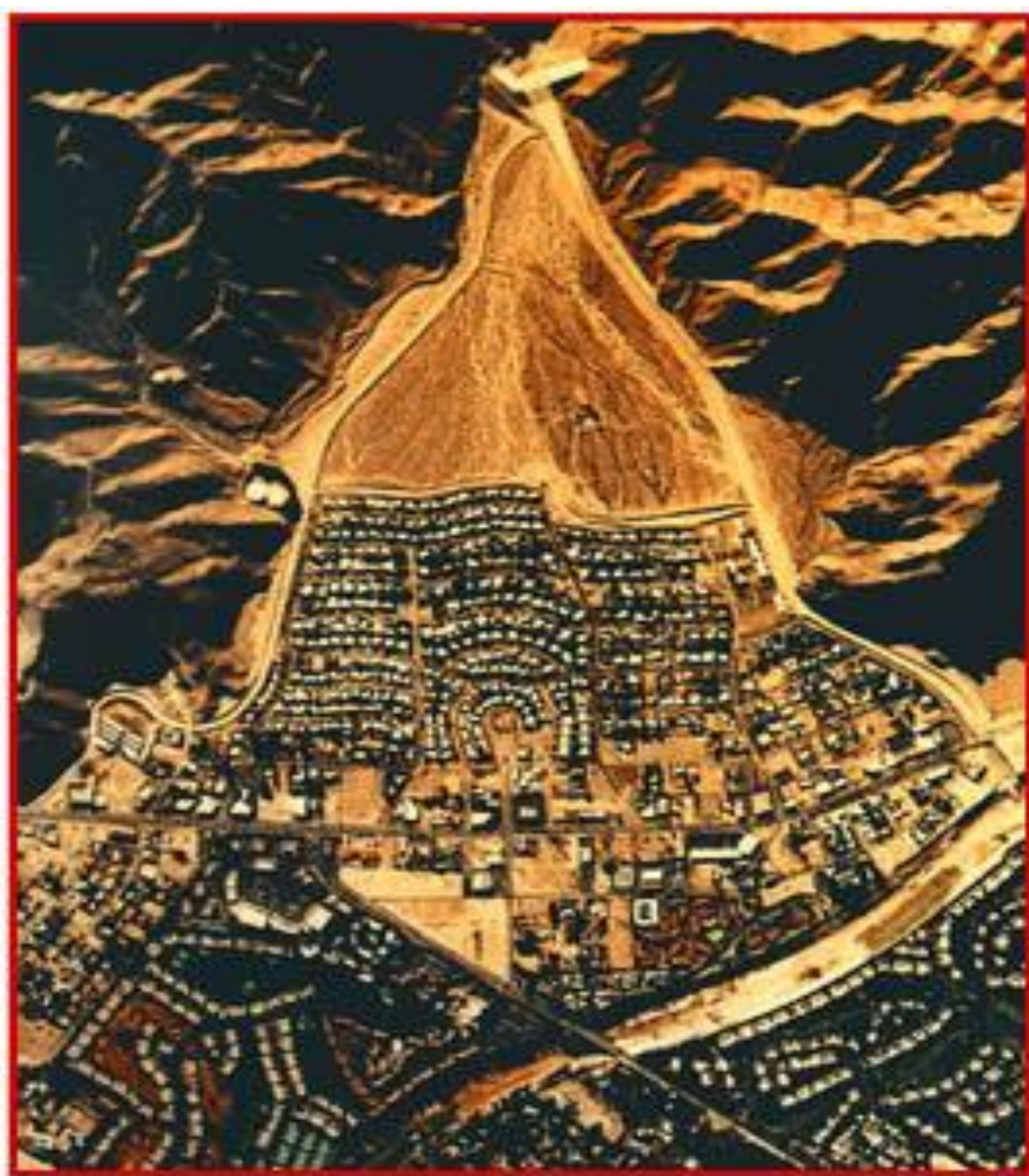
۱- توسعه پایدار

۲- جهانی سازی

۳- سامان دهی فضا

۴- مدلسازی





غیر فعال

محیط ژئومورفولوژیکی

فعال

فعال

انسان

غیر فعال

منابع

ژئومورفولوژیکی

فعالیت انسان

آسیب پذیری
ناحہ

خطرات

ژئومورفولوژیکی

اثر گذاری (Impact)

خطر (Risk)

